

زندگی نامه عبدالحسین میرزا فرمانفرما

زندگی نامه عبدالحسین میرزا فرمانفرما
تالیف: مهرماه فرمانفرمایان (رئیس)
ناشر: توس، چاپ اول، ۱۳۷۷، ۲ ج.

● علی معصومی

فرمانفرما ورود به عرصه حکومتی را با عهده دار شدن مناصب نظامی آغاز کرد و در سطوح مختلف نظامی به فعالیت پرداخت و سرانجام ملقب به «امیرتومان» و «سالار لشکر» شد و ریاست قشون آذربایجان را به عهده گرفت. بعد از فوت برادرش، حکومت کرمان به وی سپرده شد و در بازجویی از میرزا رضای گرمانی (قاتل ناصرالدین شاه) شرکت داشت. مدتی نیز حکومت فارس، گرمانشاهان و تهران را به عهده داشت و در دوره‌ای هم وزیر جنگ شد. فرمانفرما بعد از پیروزی مشروطیت در اولین دولت مشروطه وزارت دادگستری را به عهده گرفت. در همین زمان مامور مقابله با تجاوزات عثمانی به غرب ایران شد. در زمان استبداد صغیر نیز مناصبی به وی پیشنهاد شد و حتی به عنوان حاکم منطقه اصفهان تعیین گردید تا با بختیاری‌ها و آزادیخواهان مبارزه کند ولی به دلایلی به محل ماموریت خود نرفت. فرمانفرما بعد از فتح تهران توسط مشروطه خواهان، همچنان موقعیت سیاسی خودش را حفظ کرد و در دولت‌های مختلفی که بعد از این تشکیل شد، مناصب مختلفی همچون وزارت عدلیه، وزارت جنگ و وزارت کشور را به عهده گرفت و سرانجام نیز نخست وزیر شد. علاوه بر این‌ها، او در دولت مشروطه برای رفع غائله سالارالدوله به غرب ایران رفت و در همین ماموریت بود که با رضاخان میرپنج (کسی که بعداً سلسله قاجاریه را از میان برد و سلسله پهلوی را بنیان نهاد) برای اولین بار آشنا شد. بعد از کودتای اسفند ۱۲۹۹ ه. ش، فرمانفرما به دستور سیدضیاءالدین طباطبائی (نخست وزیر کودتا) بازداشت شد و پس از آزادی از زندان دیگر مجالی برای فعالیت سیاسی نیافت و سرانجام در سال ۱۳۱۸ ه. ق در تهران در گذشت. زندگی نامه عبدالحسین میرزا فرمانفرما به دلیل آن که از زمان ناصرالدین شاه تا انقراض سلسله قاجاریه در عرصه سیاسی و حکومتی ایران حاضر بوده است، اهمیت خاصی دارد. به عبارت دیگر، زندگی این شاهزاده قاجاری از برهه‌های مهم تاریخ ایران در عهد قاجاریه و دوره مشروطیت است. خانم مهرماه فرمانفرمایان چهارمین دختر فرمانفرما این برهه را تحت عنوان زندگی نامه عبدالحسین میرزا فرمانفرما به رشته تحریر در آورده و در اختیار علاقمندان مباحث تاریخی قرار داده است. کتاب مذکور در دو جلد و

شانزدهمین پسر عباس میرزا، ولیعهد نامدار فتحعلی شاه، فیروز میرزا نصرت الدوله نام داشت. نصرت الدوله که حدوداً در دهه‌ی آخر حیات خویش، از ناصرالدین شاه لقب «فرمانفرما» را دریافت کرد، فرزندی داشت به نام عبدالحسین میرزا که بعد از فوت پدر و برادر بزرگش، لقب «فرمانفرما» را نیز از آن‌ها به ارث برد. البته در عهد قاجاریه به غیر از این سه نفر (فیروز میرزا و دو پسرش میرزا ناصرالدوله و عبدالحسین میرزا)، حسینعلی میرزا یکی از پسران فتحعلی شاه نیز ملقب به فرمانفرما بود. از میان این افراد که لقب فرمانفرمایی یافتند، عبدالحسین میرزا شهرت خاصی در تاریخ قاجاریه دارد. عبدالحسین میرزا فرمانفرما در طول حیات خویش مشاغل و مناصب مهم و حساسی را عهده دار بود. او از آن دسته رجال قاجاری است که بعد از جنبش مشروطیت نیز توانست موقعیت سیاسی خود را حفظ کند.

نگارخانه علمی و مطالعات فرهنگی
انسانی





چهل و هشت فصل تدوین یافته است و در مجموع ۲۲۰ صفحه دارد. زندگی نامه عبدالحسین میرزا فرمانفرما از کتاب‌هایی است که نگاه جانبدارانه به افعال و کردار فرمانروایان سلسله قاجار دارد و نویسنده سعی کرده است به خواننده چنین القاء کند که با در نظر گرفتن اوضاع و شرایط آن روزگار، به غیر از موارد معدود، فرمانروایان و مردان عرصه سیاست و حکومت قاجار وظیفه خودشان را در برابر کشور به خوبی انجام داده‌اند. با این که نویسنده دختر یکی از چهره‌های مشهور قاجار است، اعتراف می‌کند که پیش از تدوین زندگینامه پدرش از تاریخ قاجار آگاهی گسترده‌ای نداشته و طبق روال معمول، این دوره را دوره خود کامگی و هرج و مرج می‌پنداشته است. اما با مطالعه گسترده تاریخ این عصر به این نتیجه رسیده که این پندار واقعیت ندارد و پیروی از آداب و روش‌های خاص آن زمان و زیستن به سبک آن زمان را نباید طور دیگری تعبیر کرد.^۱

نویسنده معتقد است موقعیت‌های متفاوت را با مقیاس واحد نباید ارزیابی کرد و دوره قاجار را باید در ظرف تاریخی، اجتماعی و سیاسی خودش سنجید تا درک صحیحی از آن روزگار حاصل شود.^۲

نویسنده از این که به فرمانروایان سلسله قاجار نسبت بی‌خردی، چپاول، وطن‌فروشی، رشوه‌گیری و... داده می‌شود اظهار دل‌تنگی و اندوه کرده آن‌ها را ناروا می‌شمارد.^۳

نویسنده معتقد است برخورد ناروا و ایجاد تزلزل در ذهنیت یک ملت نسبت به گذشته خود، سبب می‌شود به آسانی تسلیم اندیشه و رویه دیگران شوند و به سنن و آداب کهن خویش بی‌اعتنایی کنند.^۴ خانم مهرماه فرمانفرمایان اظهار می‌کند که می‌توانیم تشکیلات حکومتی و دولتی آن زمان را مورد انتقاد قرار دهیم و متهم کنیم ولی نمی‌توانیم مردان، زنان و حکومتگران آن زمان را که طبق رسم و نظم آن زمان رفتار می‌کردند، متهم کنیم.^۵ او حتی آن چیزی را که دیگران رشوه‌ستانی حکمرانان قاجار می‌دانند، نمی‌پذیرد و آن را به حساب رسم و عرف آن زمان می‌گذرد.^۶ نویسنده ابراز می‌دارد اگر ایران عصر قاجار را با ممالک همجوار آن مقایسه کنیم، می‌بینیم همه آنها در وضعیت تقریباً یکسانی بودند؛ بنابراین، انتظار چندانی نباید داشت و مقایسه ایران با کشورهای اروپایی آن زمان نیز صحیح نیست.^۷

به هر حال، نویسنده فصل اول را با این مباحث آغاز می‌کند و در فصل دوم نیز وضع ژئوپلیتیکی ایران در آن روزگار را مورد بررسی قرار می‌دهد. در این فصل از نقش منفی دو قدرت بزرگ روس و انگلیس در سرنوشت ایران سخن به میان آمده است و نویسنده چنین ادعا می‌کند که شهرها و مناطقی که در این روزگار از دست ایران رفت، خیلی کمتر از خواست و اهدافی بود که روس و انگلیس در سر می‌پروراندند و مقاومت مردم و فرمانروایان ایران سبب شد که کشور قدرتمندی مثل روس از رسیدن به اهداف اصلی بازماند. بعد از این دو فصل مقدماتی، ریشه خاندان فرمانفرما معرفی شده و از چگونگی رشد آنها سخن رفته است. سپس از فصل چهارم زندگی‌نامه خود عبدالحسین میرزا فرمانفرما آغاز می‌شود. کتاب زندگی‌نامه فرمانفرما از چند جهت حائز اهمیت است. اول آن که یکی از مردان عرصه سیاست و حکومت قاجار را که به هر حال در آن تاریخ نقش داشته است، معرفی می‌کند و خواننده می‌تواند تا حدودی با ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی و بسیاری از خصوصیات دیگر یک حکومتگر و مرد اشرافی قاجار آشنا شود. گرچه این کتاب از نظر آشنایی کلی با تاریخ قاجار به نمی‌تواند اهمیت چندانی داشته باشد ولی به هر حال خواننده را با گوشه‌هایی از تاریخ این عصر آشنا می‌کند. آشنایی اجمالی و گذرا با چگونگی رفتارهای سیاسی و اجتماعی مردم و مردان عرصه سیاست و حکومت در دوره ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه، دوره جنبش مشروطه و در روزگار محمد علی شاه و احمد شاه از مواردی است که خواننده با مطالعه کتاب زندگی‌نامه فرمانفرما می‌تواند به دست آورد.

اگر از این منظر به کتاب زندگینامه فرمانفرما بنگریم، در فصول مختلف آن درباره موضوعات ذیل مطالبی خواهیم خواند: قتل ناصرالدین شاه، سلطنت مظفرالدین شاه، جنبش مشروطیت و چگونگی مبارزه مشروطه خواهان، سلطنت احمد شاه و اوضاع ایران در این دوره، دخالت‌ها و زیاده خواهی‌های روس‌ها در ایران، ایران و جنگ جهانی اول، فعالیت آلمان‌ها در ایران در جریان جنگ جهانی اول، آشفتنی اوضاع ایران در زمان جنگ جهانی اول و پیش آمدن موضوع مهاجرت از تهران، کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و به قدرت رسیدن رضاخان میرپنج. از خوانندگی‌ترین قسمت‌ها و موضوعات مذکور، اوضاع ایران در جریان جنگ جهانی اول و موضوع فعالیت‌های دولت‌های متخاصم در ایران است. در این زمان که خود فرمانفرما مدتی ریاست وزرا را به عهده داشت و با مساله زیاده خواهی‌های دولت‌های متخاصم و همچنین با مهاجرت میلیون رویه رو بود. اوضاع ایران به شکل تاسف انگیزی گزارش شده است؛ زیرا در این زمان سررشته امور از دست دولت ایران بیرون رفته بود و حاکم واقعی ایران نمایندگان و فعالان دولت‌های روس، انگلیس و آلمان بودند و هر کدام از آنها کشور را به سویی می‌کشیدند و جریان‌هایی می‌آفریدند. در این زمان نمایندگان دولت‌های مذکور آن قدر قدرت و جسارت داشتند که حتی در نیمه شب شاه را از بستر بیرون بکشند و به او بگویند که چه کسی باید ریاست وزرایی را به عهده بگیرد و یا این که به او برخی جریان‌های سیاسی داخلی را بیاموزند که چگونه از ایام سوگواری محرم در جهت تحریک مردم برای مقابله با طرف متخاصم استفاده کنند.^۸

فرمانفرما در شهرها و مناطق مختلف ایران فرمانروایی و ماموریت داشت. به همین دلیل زندگی‌نامه او از نظر آشنایی با اوضاع شهرهای ایران در آن روزگار نیز خالی از اهمیت نیست. به عبارت دیگر، از زندگی‌نامه او در تاریخ‌های

زندگی نامه عبدالحسین میرزا فرمانفرما از کتاب‌هایی است که نگاه جانبدارانه به افعال و کردار فرمانروایان سلسله قاجار دارد و نویسنده سعی کرده است به خواننده چنین القاء کند که با در نظر گرفتن اوضاع و شرایط آن روزگار، به غیر از موارد معدود، فرمانروایان و مردان عرصه سیاست و حکومت قاجار وظیفه خودشان را در برابر کشور به خوبی انجام داده‌اند.

نویسنده چنین ادعا می‌کند که شهرها و مناطقی که در این روزگار از دست ایران رفت، خیلی کمتر از خواست و اهدافی بود که روس و انگلیس در سر می‌پروراندند و مقاومت مردم و فرمانروایان ایران سبب شد کشور قدرتمندی مثل روس از رسیدن به اهداف اصلی باز ماند.

زندگی نامه عبدالحسین میرزا فرمانفرما به دلیل آن که از زمان ناصرالدین شاه تا انقراض سلسله قاجاریه در عرصه سیاسی و حکومتی ایران حاضر بوده است، اهمیت خاصی دارد.

محلّی و تاریخچه شهرها نیز می‌توان بهره گرفت. فرمانفرما در آذربایجان و تبریز ماموریت و حکومت داشت؛ چند بار به حکومت کرمان انتخاب شد. مدتی در استان‌های غربی ایران فرمانروایی کرد. دوبار حکومت منطقه فارس به وی واگذار شد و... ارتباط تاریخ منطقه فارس و کرمان با زندگی‌نامه فرمانفرما در آن روزگار، مهمتر از سایر نقاط است. هنگامی که او برای دومین بار به فرمانروایی منطقه فارس و جنوب ایران برگزیده شد، آن منطقه وضع خاصی داشت. فعالیت ماموران آلمانی و تحرکات آنها در جنوب، فعالیت انگلیسی‌ها و پلیس جنوب، درگیری‌های عشایر و مبارزان جنوب ایران با اشغالگران انگلیسی، درگیری عشایر و نیروهای سیاسی و نظامی منطقه با یکدیگر و مصایب طبیعی که در این روزگار جنوب ایران را با بحران مواجه کرده بود، همگی دست در دست هم داده آن منطقه را نابسامان و پر مشکل کرده بود. در حقیقت در این روزگار فارس و جنوب ایران یکی از پر حادثه‌ترین و مهم‌ترین دوران را در تاریخ معاصر طی می‌کرد. بنابراین این در این بخش از زندگی‌نامه فرمانفرما به گوشه‌هایی از فعالیت‌های مبارزان جنوب ایران اشاره شده و از چگونگی برخورد فرمانفرما با طرفین درگیر (مبارزان جنوب ایران و انگلیسی‌ها) سخن به میان آمده است. همچنان که به وضعیت ماموران آلمانی و مناسبات آنها با نیروهای سیاسی و نظامی منطقه اشاره شده است. علاوه بر اینها، درباره اوضاع اجتماعی، اقتصادی و وضعیت عمومی جنوب ایران و مشکلاتی که مردم آن سامان در آن روزگار متحمل می‌شدند، سخنانی گفته شده و از سوی دیگر درباره وضعیت ایلات منطقه جنوب و مناسبات آنها با نیروهای خارجی و داخلی منطقه مطالبی درج شده است. بعضی از سال‌های حکمرانی فرمانفرما در کرمان مصادف با ایام بحران و آشوب در کرمان بود و این شهر گرفتار اختلافات فرقه‌ای و مذهبی شده بود. از سوی دیگر، در آن سالی که یک نفر کرمانی (میرزا رضا) ناصرالدین شاه را به قتل رساند، حکومت کرمان با فرمانفرما بود. همچنان که مشروطه خواهی مردم کرمان نیز با سال‌هایی از حکومت او در آن شهر مصادف بود. به هر حال، به جهت فوق‌الذکر بخشی از زندگی‌نامه فرمانفرما که مربوط به دوره فرمانروایی او در کرمان است، با تاریخ این شهر در آن روزگار ارتباط دارد. ماموریت‌های فرمانفرما در آذربایجان و غرب ایران در زمان محمد علی شاه و در زمانی که سالار الدوله در غرب



عبدالحسین میرزا سالار لشکر در جوانی که بعد لقب فرمانفرما گرفت

نویسنده اظهار می‌کند که می‌توانیم تشکیلات حکومتی و دولتی آن زمان را مورد انتقاد قرار دهیم و متهم کنیم ولی نمی‌توانیم مردان، زنان و حکومتگران آن زمان را که طبق رسم و نظم آن زمان رفتار می‌کردند، متهم کنیم.

روش کاملاً اشرافی زندگی می‌کرد. تعداد افرادی که در پیرامونش بودند و کارهای مختلف او را انجام می‌دادند، قابل توجه است. گذشته از آن که تعداد زیادی رعیت (کشاورز) داشت، برای هر قسمت از کارهایش نیز افرادی را به استخدام در آورده بود. تعدادی باغبان، فراش، درشکه‌چی، خواجه حرم، آبشارچی، آشپز، نجار، معلم، قهوه‌چی، سلمانی، دوچرخه‌چی، منشی، پزشک، محاسب، اتاقدار، چراغچی، قاپوچی، جلودار، لاله، مهتر، ناظر، حمامی، نانوا، بنا، کالسکه‌چی، و... همواره با او بودند و کارهایش را انجام می‌دادند. با مطالعه زندگی‌نامه او تا حدودی با چگونگی زندگی شخصی که متعلق به طبقه اشراف و ملاک قاجار بود آشنا می‌شویم و می‌توانیم مناسبات او را با مردم و افرادی که پیرامونش بودند، دریابیم و در نتیجه چگونگی زندگی طبقه اشراف قاجار را در ذهن تصور کنیم و آداب و رسوم اعیانی آن روزگار را بشناسیم. آداب همسرگزینی و همسر داری، چگونگی تربیت و آموزش شاهزادگان، شیوه برگزاری مهمانی‌ها و جشن‌ها و شب‌نشینی‌ها، چگونگی گذران اوقات فراغت و سرگرمی‌ها، غذاها و خوردنی‌های مرسوم، اهمیت شکار در میان اشراف قاجاری، شیوه اجرای سنت‌های دینی و... از جمله موارد دیگری است که در زندگی‌نامه فرمانفرما می‌توان مطالعه کرد. گرچه، کتاب زندگی‌نامه عبدالحسین میرزا فرمانفرما خالی از انواقص شکلی و محتوایی نیست ولی به هر حال برای علاقمندان به مباحث تاریخی قابل مطالعه است.

پی‌نوشت‌ها:

- فرمانفرمایان (رئیس)، مهرماه: زندگی‌نامه عبدالحسین میرزا فرمانفرما، تهران، انتشارات توس، چاپ اول، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۵ و ۶.
- همان، ص ۷ و ۸.
- همان، ص ۸ و ۹ و...
- همان، ص ۱۴.
- همان، ص ۱۲ و ۱۳.
- همان، ص ۱۲ و ۱۳.
- همان، ص ۱۳.
- همان، ج ۲، ص ۸۸ و ۱۰۶.
- همان، ج ۱، ص ۱۷۳ تا ۱۷۵.

علیه مشروطه فتنه به پا کرده بود، زندگی سیاسی و نظامی او را با حوادث و رویدادهای این منطقه ارتباط می‌دهد که این موضوع در کتاب زندگی‌نامه فرمانفرما خالی از اهمیت نیست.

فرمانفرما در مقاطع مختلف حیات خویش فرماندهی قشون در سطوح مختلف را هم عهده‌دار بود و پاره‌ای از ماموریت‌های جنگی را به انجام رساند. علاوه بر این، گذشته از آن که خود آموزش نظامی دیده و تجربه نظامی داشت، در تربیت نظامیان و سازماندهی آنها فعالیت می‌کرد. به همین دلیل، مطالعه زندگی‌نامه او، خواننده را با چگونگی تربیت نظامیان، شیوه قشون‌کشی و جایجایی نیروهای نظامی، روش اداره سازمان نظامی و بسیاری مسائل مربوط به امور نظامی در عصر قاجاریه آشنا می‌کند و از نظر تاریخ نظامی می‌تواند قابل تامل باشد.

فرمانفرما شاهدادهای بود که ویژگی‌های یک شاهزاده و حکمران قاجاری را در خود داشت و مانند همه شاهزادگان و حکمرانان قاجار در رقابت‌ها و دستبندی‌های درون دربار قاجار شرکت می‌کرد. همین امرسبب شد که حتی زمانی مورد غضب مظفرالدین شاه قرار گیرد و رقبایش بتوانند مدتی او را به خارج از ایران (عراق) تبعید کنند و تا سال‌ها اجازه ندهند او به تهران وارد شود و دوباره در دسته بندی‌ها و رقابت‌های دربار شرکت جوید. او در رقابت‌هایی که بین درباریان و سیاسیون قاجاریه وجود داشت، گاه پیروز می‌شد و گاه به چنان وضعیتی می‌رسید که رقبایش می‌توانستند به شاه بقبولانند که فرمانفرما قصد دارد شاه را بکشد و شاهزاده دیگری را به سلطنت بنشانند.^۹ بنابراین، زندگی‌نامه او از این نظر نیز قابل مطالعه و تامل است و خواننده می‌تواند با اوضاع دربار و رقابت‌ها و دستبندی‌ها و کینه‌توزی‌هایی که بین شاهزادگان وجود داشت، کم و بیش آشنایی پیدا کند. عبدالحسین میرزا فرمانفرما، نمونه‌ای از یک اشرافی و ملاک دوره قاجاریه‌است. او املاک وسیع و دارایی قابل توجهی در شهرهای مختلف ایران و حتی در خارج از ایران داشت و به